

# آقای فرانکلین، شما هم؟!

## مروری به مقاومت‌ها علیه واکسیناسیون در طول تاریخ

ترجمه صبا خوشه‌گیر: با شروع فراگیر واکسیناسیون که اواخر سال ۲۰۲۰ در دسترس قرار گرفت، تئوری‌گران توطئه دست به کار شدند و گروه‌های اعتراضی ضد واکسیناسیون تشکیل شد و این امر به سرعت افزایش پیدا کرد. تلاش‌ها برای دور نگه داشتن مردم از واکسن و تقویت این اطلاع‌رسانی نادرست شبهه‌انگیزی در مورد امن و موثر بودن آن ایجاد کرد و به عمد مردم را به دلیل مقاصد سیاسی یا ایدئولوژیک یا دلایل دیگر از این امر منصرف و دلسرد کرد. واکسن‌ها از ابتدای تولیدشان تاکنون همیشه مورد ظن و گمان و نقطه‌ای برای مخالفت‌ها بوده‌اند. این مخالفت در برابر واکسن کووید-۱۹ هم ریشه عمیقی دارد که تنها فصل کوچکی از این کتاب فطور است. محرک اولیه تردید برابر واکسن در طول تاریخ نمی‌توان گفت که پول، خودخواهی یا لجبازی بوده است. مایکلدن برگ، کارشناس فلسفه از دانشگاه گوئلف، اوتاریو که روی این پدیده تحقیق کرده، می‌گوید: «تردید و مقابله علیه واکسیناسیون بخش کمتری را در نفهمیدن مردم از علم و دانش و برداشت اشتباه آنها ایفا می‌کند، بلکه بخش اصلی و پراهمیت ماجرا عدم اعتماد مردم به موسسات علمی و تحقیقاتی و دولت‌هاست» و در ادامه اگنس آرنولد-فاستر، مورخ پزشکی در دانشگاه بریستول انگلیس می‌گوید: «به لحاظ تاریخی مورد آسیب و لطمه واقع شدن مردم توسط چنین موسسات و آزمایشگاه‌هایی باعث پدید آمدن این مقاومت علیه واکسیناسیون شده است.»

تعدادی از این شایعات که در طول همه‌گیری ویروس‌ها و واکسیناسیون پخش می‌شوند، عموماً تکراری هستند و در طول مقاطع زمانی دوباره مطرح و در جهان پراکنده می‌شوند. ورود مواد غیرطبیعی به بدن از طریق واکسن از جمله این شایعات است. همچنین واکسن را ظاهری برای پوشاندن سلاح جاسوسی دولت‌ها یا سلب آزادی بشر می‌دانند. دیگر نگرانی‌ها با عنوان نگرانی والدین بر سلامتی فرزندان‌شان، دخالت در خواست خداوند یا نگرانی از ناباب‌روری بر اثر واکسیناسیون و ایجاد نقص و ناتوانی یا بیماری و عوارض ناشناخته بیان می‌شود. برای مثال برخی از مردم بر این باورند تزریق این واکسن موجب تکثیر و نهادینه شدن آنها در سلول‌ها و موجب سقط جنین می‌شود و تازه‌ترین باور نادرست در مورد واکسن کووید-۱۹ این است که حاوی میکروچیپ‌هایی است که این نگرانی عموم را در مورد محتوای واکسن بیشتر می‌کند. همچنین این ادعا را تقویت می‌کند که واکسن‌ها ابزار کنترل و پایش انسان‌ها هستند. گلدنبرگ می‌گوید: «دلایلی که مردم نگران و مردد هستند نشأت گرفته از فرهنگ و محل زندگی آنهاست.» مردم از ۱۹۷۰ به بعد بر اثر پدید آمدن و رشد ویروس‌های ناشناخته و باکتری‌هایی از این دست در محیط زیست انسان نگران و دلواپس هستند و کشور‌های درگیر جنگ‌های داخلی، واکسن را به عنوان سلاح بیولوژیکی از سوی دولت‌شان برای کنترل معترضان تلقی می‌کنند. در واقع تلاش‌ها در طول تاریخ برای جلوگیری از هراس واکسیناسیون با شکست مواجه شده است برای آنکه بیشتر این نگرانی و آشوب‌ها از قدرتی استبدادی و اجباری ریشه می‌گیرد تا مردم را به ضد واکسیناسیون ترغیب کند. آرنولد فاستر می‌گوید: «این افکار بسیار پوچ، خسارت‌بار، بی‌اثر و بدون نتیجه هستند» و در عمل حتی شاید تأثیر ناچیزی بر فرایند واکسیناسیون عمومی بگذارند. در برخی از مراکز نیز از پزشکان حاذق دعوت و درخواست شده که حضور داشته باشند تا مردم به اعتماد و پشتوانه آنها در این مراکز برای واکسینه شدن حضور پیدا کنند و ترغیب شوند. اخبار دلگرم‌کننده‌ای نیز در خصوص کاهش آمار مبتلایان از مراکز رسیده که در اختیار عموم قرار دادن آنها باعث دلگرم‌تر شدن مردم در این خصوص شده است.

### قرن هجدهم

واکسن آبله مرحله جدیدی را در زندگی بشر به وجود آورد. در همین حین، مقابله در برابر واکسیناسیون خود باعث تسریع این امر شد. به محض آنکه ادوارد جنر، بزئشک انگلیسی دریافت افرادی که آبله گاوی گرفته بودند، در برابر آبله جدید مقاوم هستند، واکسیناسیون عمومی آغاز شد. در ۱۷۹۶ جنر به لحاظ علمی به این نتیجه رسید و فرایند واکسیناسیون عمومی با ویروس آبله گاوی آغاز شد که نام آن را واکسن آبله (واریولا) گذاشت تا از گسترش آبله جلوگیری شود. می‌توان گفت این فرایند که قدمت آن دستکم به هزار سال پیش در آسیا، آفریقا و دیگر نقاط جهان برمی‌گردد، شدت ابتلا را کاهش داد و تا حدودی این بیماری را دفع کرد. این امر با وارد شدن ویروس از راه زخم به بدن انسان سالم انجام می‌شد یا از طریق تنفس در مجاورت فرد بیمار. حدود یک تا ۲ درصد مردم از جمله پسر شاه بریتانیای وقت، جورج سوم در سال ۱۷۸۲ از این فرایند جان باختند که البته آمار بسیار پایین تری از ۳۰ درصدی بود که به خاطر ابتلا به این بیماری مردند. بنجامین فرانکلین هم از واکسیناسیون آبله سر باز زد که منجر به فوت پسرش شد و او پشیمان از این عمل ماند. این فرایند پس از آن به سمع رهبر پیوریتن‌ها (فرقه‌ای از پروتستان‌های انگلیس) رسید و او پذیرفت، اما رهروان این مذهب آن را دخالت در خواسته خداوند و وارد کردن مواد غیر ارگانیک به بدن خواندند و با بمب‌های دست‌ساز به خانه‌اش حمله کردند. بعدها این باور در ذهن افراد مخالف واکسن ریشه دواند و به آن دامن زد.

### قرن نوزدهم

اولین قوانین وضع شده جهت اجباری شدن واکسیناسیون خشم مردم را برافروخت. سال ۱۸۰۹ در ماساچوست اولین قوانین مبتنی بر اجباری شدن واکسن وضع شد که در آن گفته می‌شد تمامی مردم باید واکسن آبله را تزریق کنند. مقاومت‌ها با وضع همین قوانین در دیگر ایالات نیز شدت گرفت. سپس در بریتانیا نیز در سال ۱۸۵۳ از والدین خواسته شد تا برای نوزادان سه ماهه خود جهت واکسیناسیون اقدام کنند یا مشمول پرداخت جریمه و حبس می‌شوند. این قانون جرعه‌ای شد برای ناراضی‌ها و اغتشاش و تشکیل گروه‌ها و تشکل‌های ضد واکسن در لندن. این افراد نیز عموماً از قشر ضعیف و کم‌توان تری بودند که به امر واکسیناسیون اجباری و رایگان مشکوک بودند، چون پیش از این و در شرایط دیگر هیچ کمکی در زمینه‌های سلامتی و بهداشت به این صورت دریافت نکرده بودند. تشکل‌های اعتراضی اذعان داشتند که واکسیناسیون اجباری با آزادی بشر در تضاد است و آن را به خطر می‌اندازد و با جملاتی مثل: «پایمال کردن حق اختیار والدین بر سلامتی فرزندان‌شان» و «مورد تعرض قرار دادن آزادی انسان با صورتک واکسیناسیون بهداشتی جرم است» در این آتش می‌دمیدند. تشکل‌های ضد واکسن تا ۱۸۸۵ در سراسر اروپا به سرعت گسترده شدند و طرفدارانی پیدا کردند تا جایی که حدود ۱۰۰ هزار نفر از مردم شهر لستر انگلستان خواستار بررسی وضع موجود از حکومت سلطنتی شدند. در نتیجه این بررسی، دولت حاضر شد جرایم خانواده‌هایی را که به امر واکسیناسیون فرزندان‌شان اعتقاد نداشتند، کم یا کلاً لغو کند. در آتلانتیک نیز در آمریکا واکسیناسیون اجتناب کردند و همین امر باعث رشد آبله و افزایش بیماری شد. اما با کاهش شیوع امر واکسیناسیون و اجبار بر روی آن کم شد. اما در ۱۸۷۰ با شیوع دوباره بیماری قوانین سفت و سخت یا هم‌سنگ با قوانین قبلی دوباره وضع شدند. رهبر تظاهرات علیه واکسیناسیون اجباری ویلیام تب بریتانیایی در سال

۱۸۷۹ وارد نیویورک شد که در پی آن تشکل ضد واکسیناسیون در آمریکا نیز پایه‌ریزی شد. تاکتیک‌های این گروه اکنون نیز استفاده می‌شود: استفاده از بروشورها، نزاع در دادگاه‌ها و اغتشاش و شورش در سطح شهرها. در نتیجه پارلمان رأی به لغو واکسیناسیون اجباری در هفت ایالت داد و رأی دادگاه ماساچوست تا حالا همچنان باقی است.

### قرن بیستم

فهرستی از واکسن‌ها، احساس خشم و غضب و در برخی دیگر اطمینان خاطر و رضایت را برانگیخته کردند. آمریکا در طول ۱۹۲۰ تا ۱۹۷۰ به عصر طلایی خود در تولید و بهبود رسید و این عصر با تولید واکسن‌های دیفتتری، سیاه سرفه، فلج اطفال، سرخک، اوریون و سرخچه آغاز شد. بعد از کاهش میزان عفونت‌ها و ابتلا به بیماری‌ها به ویژه فلج اطفال، معترضان به شدت کاسته شدند. استانداردان دو ایالت جورجیا و آرکانزاس به حمایت و ساخت کمیون‌های واکسیناسیون پرداختند که به سرعت در سال ۱۹۷۰ رشد کردند. هدف از این کار ترغیب والدین و دانش‌آموزان به دریافت تمامی واکسن‌های دوره‌ای مربوط به بیماری‌ها بود و این واکسن‌ها مورد تأیید سازمان کنترل بیماری و جلوگیری از آن در آمریکا بود. اما خبرگزاری ملی در سال ۱۹۸۲ خبری را با عنوان «قمار با واکسیناسیون» منتشر کرد و این همه چیز را تغییر داد. خبر در مورد والدینی بود که ادعا می‌کردند فرزندشان پس از دریافت واکسن‌های دیفتتری، کزاز و سیاه‌سرفه ابتداء چار سرفه‌های شدید و سپس آسیب مغزی شده است. در ادامه خبر گفت‌وگو با پزشکان حاذق، شک مردم به یقین تبدیل شد و ترس در جان‌شان افتاد. در سال ۱۹۷۴ تب و سرفه از علائم واکسن دیفتتری، کزاز و سیاه‌سرفه اعلام شده بود و تنها طی ۲۴ ساعت، ۳۶ کودک با علائم عصب‌شناختی بر اثر دریافت این واکسن مراجعه داشتند. اما تحقیقات اعلام کرد این تنها عوارض موقت این واکسن بوده و همه علائم به صورت طولانی مدت و پایدار نخواهند بود. اما همان اخبار و علائم، اعتماد مردم را خدشه دار کرد. یکی از والدین که گفته بود فرزندش دچار مشکل دائمی شده، جنبشی را علیه واکسیناسیون راه انداخت. گفته می‌شود این ناراضی‌ها، تشکل بزرگ‌ترین تشکل ضد واکسن در طول تاریخ آمریکا بود. در طول ۹۰-۱۹۸۰ جنبشی گسترده و ثابت قدم علیه واکسن به راه افتاد. سپس متخصص بیماری‌های معده و روده، اندرو ویکفیلد اظهار کرد طبق بررسی‌های او ۱۲ کودک بر اثر دریافت واکسن‌های سرخک، اوریون و سرخچه دچار بیماری اوتیسم شده‌اند. ویکفیلد دیتا و داده‌های اشتباهی را در اختیار اذهان عموم قرار داده بود و فریبش پس از چندین سال مشخص شد. ترس در ارتباط با واکسن و ابتلا به اوتیسم در پی آن پس از ۱۲ سال دوباره مطرح و پس از بسته شدن ماجرا دوباره آغاز شد. بعد از این شایعه، آمار واکسیناسیون در بریتانیا به شدت کاهش پیدا کرد. اما این شایعه در آمریکا اثر نداشت، بلکه در سال‌های ۲۰۰۰ و پس از آن در آمریکا شایعه وجود مواد ننگه‌دارنده، تیومرسال و جیوه در واکسن‌ها سر زبان‌ها افتاد. بعد از آن، سازمان بهداشت ایالت متحده اعلام کرد مواد ننگه‌دارنده و تیومرسال در واکسن کودکان برای اطمینان خاطر بیشتر استفاده نخواهد شد. بعدتر مشخص شد هیچ جای نگرانی و تهدیدی برای سلامتی حتی در واکسن‌های دارای این مواد وجود نداشته است. واکسن‌های سرخک، اوریون و سرخچه هیچ‌گاه حاوی تیومرسال نبوده‌اند، اما ترس استفاده از جیوه که باعث آسیب به مغز و ایجاد اوتیسم می‌شود، آنچنان در بین مردم نهادینه شده بود که طوفانی از خشم و غضب ایجاد کرد که دلالت بر آسیب‌رسان بودن واکسن‌ها داشت.

منبع: ساینس نیوز

